



تأثیر جنون، عته و سفه بر مسئولیت کیفری بزهکار با رویکردی بر قوانین ایران

۹

دکتر حسین جمعه پور
دکترای حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه یادگار امام، تهران، ایران
h.jomepour@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸.۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰.۰۳.۰۱

چکیده

جنون، عته و سفه قبل از ارتکاب جرم از منظر قوانین ایران با توجه به «شخصیت و سابقه مجرم» از موجبات تخفیف خواهد شد. اگر مجنون را مجازات کنیم هرگز به هدف عینی کیفر یا اصلاح بزه کار نمی-رسیم، به همین علت است که مجازات و اعمال کیفر مفید به فایده نیست. سوال اصلی تحقیق مقاله این است که تأثیر جنون، عته و سفه بر مسئولیت کیفری بزهکار از منظر قوانین ایران چگونه است؟ در راستای پاسخ به فرضیه می توان گفت که جنون، عته و سفه قبل از ارتکاب جرم از منظر قوانین ایران بر نقصان مسئولیت کیفری بزه کار مؤثر است. جنون، عته و سفه هنگام ارتکاب جرم، رافع تام مسئولیت کیفری بزه کار است و از مسئولیت کیفری بزه کار تأثیری بر مسئولیت کیفری بزه کار ندارد؛ ولی دادگاه اختیار دارد که در مجازات شخص مجنون، معنوه و سفیه تخفیف دهد. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی و استفاده از کتابخانه و به طریق فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: جنون، عته، سفه، مسئولیت کیفری، مستندات قانونی.

۱- مقدمه

جنون (زوال عقل)، سفه (نقصان عقل) و عته (دیوانگی نارس) از اموری هستند که هرگاه عارض شوند، اشخاص قدرت تسلط بر رفتار خود را به طور کامل یا ناقص می‌بازند و ناخواسته تحت تأثیر آن‌ها به ارتکاب جرم دست می‌زنند. از جانبی، بنا بر اصل «لزوم مجازات مجرم»، چنین افرادی بایستی کیفر اعمال خویش را بپوشند؛ از سوی دیگر بنا بر فقدان یا نقصان عنصر معنوی جرم، نباید مجازات شوند و از طرف سوم، اهداف مجازات از کیفر دادن آنان تأمین نخواهد شد. این جاست که قانون‌گذاران نمی‌توانند وضعیت و حالات چنین افرادی را نادیده انگارد. همچنین منظور از تأثیر اینجا تأثیر منفی است، که مسئولیت را از مجنون، معتوه و سفیه یا بطور کلی بر می‌دارد، یا اینکه بطور ناقص عمل نموده اثر منفی نسبی گذاشته و مسئولیت آن‌ها را به طور تام رفع نمی‌کند؛ بلکه، رافع نسبی هستند. به این معنی که مانند انسان سالم به عنوان یک مجرم مجازات نمی‌شوند. در هر دو صورت اثرش بر مسئولیت منفی است.

جنون، عته و سفه از اختلالات روانی هستند که امروزه به دلایل مختلف از جمله افزایش مشکلات گوناگون زندگی، رشد فزاینده یافته‌اند و بزه‌کارانی که در اثر عدم توانایی ذهنی و روانی یا نقصان آن، کنترل حرکات و اعمال خویش را ندارند نیز گسترده گردیده‌اند.

لذا مطالعه وضعیت حقوقی و بررسی قوانین در زمینه حدود و نحوه تأثیر گذاری این عوارض بر مسئولیت کیفری بزه‌کار، مهم و ضروری است. جنون و عته از نظر حقوقی دارای تأثیر مساوی هستند، به این معنی که هرچا اگر قانون اجازه تأدیب مجنون را داده باشد چون از نظر مبنا معتوه هم مرفوع القلم است شامل او نیز می‌شود. حداقل از منظر حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران، هرگاه تأدیب مجنون مؤثر باشد یعنی این گونه از مجازات نسبت به او بازدارنده باشد، مورد تأدیب واقع می‌شود گرچه برخی از اساتید حقوق تأدیب مجنون را نفی پذیرد چون مخالف با عدم مسئولیت او و رافعییت تام مسئولیت کیفری جنون از مجنون است. بخصوص اینکه می‌توان درباره‌ی دیوانه، از اقدامات تأمینی استفاده کرد.

۲- کلیات

قبل از شروع بحث مورد نظر لازم است تا مفهوم و معنای برخی عبارات بررسی شده و از هم تفکیک شوند و تاریخچه تأثیر جنون، عته و سفه بر مسئولیت کیفری بزه‌کار در قوانین ایران به صورت مختصر بیان شود.

۱-۲- جنون در اصطلاح لغوی و حقوقی

جنون در فرهنگ‌های فارسی به معانی زیر به کار رفته است:

۱. حالتی که در آن، شخص قادر، به تشخیص درست از نادرست و تشخیص اعمال خود نیست؛ دیوانگی. (انوری و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۲۲۰۶)

۲. زایل شدن عقل، تباه گشتن عقل؛ دیوانگی، بیماری دماغی. (عمید، ۱۳۶۹، ص ۷۰۷)

با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی ایران تعریفی خاصی برای جنون ارائه نکرده است؛ می توان گفت: قانونگذار ایرانی در اینجا به مفهوم عرفی جنون اکتفا کرده است؛ برخی حقوق دانان چنین تعریفی آورده است: «جنون زوال عقل و فقدان شعور است. در مفهوم خاص، جنون مبین نوعی زوال و اختلال در قوای دماغی است. به طوری که اعمال مجنون فارغ از اختیار و اراده آزاد است.» (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱)

۲-۲- عته در اصطلاح لغوی و حقوقی

عته اصطلاحی است که در بعضی متون فقهی و روایی آمده است، ولی به معانی گوناگون به کار رفته از بی عقلی تا نضان عقل (الجوهری، ۱۴۰۷، ص ۲۲۳۹) و غیر از جنون است (الکلبینی، ۱۳۶۷، ص ۳۶۷) و گاهی به معنی جنون. دکتر وهبه الزحیلی می نویسد: «عته: به معنای ضعف عقل است که منشأ ضعف در حفظ و ادراک است معتوه با دچار شدن به این بیماری سخنانش مختلط می گردد. گاهی مثل عقلا حرف می زند و گاهی مثل دیوانگان. و فرق بین معتوه و مجنون در این است که ظاهر فرد مبتلا به عته آرام است نهی زند کسی را و فحاشی نهی کند مانند مجانین. پس معتوه بنابراین کسی است که ذهنش بیمار است و سخنش درهم و برهم می باشد تدبیر ندارد. مانند کودک دارای اهلیت ناقص است.» (الزحیلی، ۱۴۲۷، ص ۲۹۷۲)

از ظاهر معجم های فارسی و عربی چنین مستفاد می گردد که واژه ی (عته) دارای غموض است معنی این کلمه واضح و روشن بیان نشده است. به طور مثال آنچه در لغت نامه دهخدا آمده نشانگر این امر است. از این جهت در اینجا تمام معانی که این معجم کبیر برای این لغت ثبت کرده است طبعاً آن در اینجا نقل می کنم:

عته: [با فتح و ضم عین] (ع مص) ۱. سبک عقل شدن (اقراب الموارد) (منتهی الارب) ۲. کم عقل شدن (منتهی الارب) ۳. فاقد خرد گشتن (اقراب الموارد) ۴. مدهوش گشتن (منتهی الارب) ۵. و گفته اند مدهوش شدن جز از دیوانگی (اقراب الموارد) ۶. رفت خرد (منتهی الارب) (اندرج) (تاج المصادر) ۶. آزمند علم گردیدن (اقراب الموارد) (لسان العرب) (منتهی الارب) ۷. حریص شدن بر اذیت کسی (اقراب الموارد) (منتهی الارب). ۸. در اصطلاح اصول عبارت است از اختلال در عقل بنحوی که گفتار صاحب آن بر یک سیاق نباشد گاه سخنان ا و بر روش سخن دانایان و گاه به طریق دیوانگان باشد. (از کشف). (دهخدا، ۱۳۴۱، ص ۱۰۲-۱۰۱)

برخی به معنی بی عقلی و جنون گرفته است. (انوری، ۱۳۸۱، ص ۴۹۷۱) دکتر جعفری لنگرودی با اینکه کلام طریحی را مشوش می‌داند، خود هم معنی منقحی ارائه نمی‌کند. کلام او در مبسوطش چنین است: (در ترمینولوژی از مدخل عته ذکر می‌شود که میان نیاورده است). در برخی فرهنگ‌های لغت عربی (عته) را با دو هیأت ثبت کرده اند یک با (فتح اول و کسر دوم) دو دیگر با (ضم اول کسر ثانی). و به معنی نقصان عقل بدون عروض جنون است. (مصطفی و دیگران، ۱۴۲۶، ص ۵۸۳)

۳-۲- مفهوم لغوی و حقوقی سفه

فرهنگ عمید می‌نویسد: «سفه: مصدر عربی با فتح اول و دوم و سکون سوم (هاء غیر ملفوظ) سبک عقل شدن، نادانی و بی‌خردی کردن، بد خوئی و نابردباری کردن // نادانی، بی‌خردی، بدخوئی، گستاخی، خودسری». (عمید، ص ۱۲۱۰) سفیه صفت مشبهه از سفه در فرهنگ فارسی عمید به معانی ذیل ثبت شده است: «۱- بی‌خرد، ۲- نادان، ۳- بد خو». (همان، ص ۱۲۱۱) قانون مدنی ایران به جای سفیه کلمه بی‌خرد را به کار برده است. (ماده ۱۲۰۷ ق.م.دکتر جعفری لنگرودی سفه را صفت می‌داند و چنین ثبت کرده است: «عدم رشد یا صفت شخص بالغ (کبیر) که تصرفات او در اموال و حقوق خویش جنبه بی‌عقلانه نداشته باشد». و می‌نویسد: «که ملاک در شناخت سفه و رشد تشخیص و عدم تشخیص نفع و ضرر است». (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ص ۳۸۵)

۴-۲- پیشینه تأثیر جنون، عته و سفه بر مسئولیت کیفری بزهکار در قوانین ایران

با توجه به اینکه قانون کیفری ایران تحولاتی را از سر گذرانده است، طبعاً احکام مربوط به جنون، عته و سفه هم تغییراتی به خود دیده است. مثلاً در قانون مجازات عمومی (مصوب ۲۳ دی ۱۳۰۴)

ماده ۴۰ مقرر کرده بود: «کسی که در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد، مجرم محسوب نمی شود و مجازات نخواهد داشت، ولی در صورت بقای جنون باید به دار المجانین تسلیم شود». چنانکه ملاحظه می گردد این قانون علاوه بر مجنون از عبارت عام (اختلال دماغی) استفاده کرده است، که شامل عته و سفه هم می شود. وانگهی این گونه افراد را مجرم محسوب نداشته است. قانون اصلاحی مجازات عمو می (مصوب ۷ خرداد ۱۳۵۲) نیز تحت تأثیر روان شناسی «اصطلاح اختلال تام تمیز و اراده» را به کار برده بود که حد اقل شامل عته می شود. بند الف ماده ۳۶ قانون اصلاحی چنین است: «هرگاه محرز شود مرتکب حین ارتکاب به علل مادرزادی علی عارضی فاقد شعور بوده یا به اختلال تام تمیز یا اراده دچار باشد، مجرم محسوب نخواهد شد».

چنانکه ملاحظه می گردد این قانون علاوه بر استفاده از اصطلاح روانشناسی جدید شخص دچار اختلال تام تمیز یا اراده را مجرم نمی شناخته. قانون مجازات اسلامی از قید به کار گرفتن اصطلاح روانشناسی خود را رها ساخته و از مجنون و جنون استفاده کرده است. علاوه بر این که شامل سفیه و معتوه ن می شود مگر از لحاظ مبنایی؛ مجنون مجرم محسوب و جنون را عامل رافع مسئولیت قرار داده است. ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب: ۱۳۷۰/۱۰/۱۱) چنین حکم می کند: «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است».

۳- مستندات تأثیر جنون، عته و سفه بر مسئولیت کیفری بزه کار

جنون، عته و سفه از رهگذر ایجاد نقصان در یکی از شرایط عامه تکلیف و مسئولیت پذیری «عقل» (هاشمی و همکاران، ۱۴۲۶، ص ۶۱۲)، بر اصل مسئولیت تأثیر منفی می گذارد که یا مسئولیت را رفع می کند (ماده ۵۱ ق.م.ا) و یا موجب تخفیف در مجازات می شود (تبصره ۲ ماده ۵۱ ق.م.ا). مرجع اصلی در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران قانون مجازات اسلامی است؛ بنابراین، موادی از قانون مزبور که می تواند مورد استناد قرار گیرد و به عنوان دلیل مسأله ما باشد عبارت است از: ماده ۵۱ و تبصره های آن، ماده ۵۲، ماده ۲۲، ماده ۴۴، ماده ۳۷، تبصره ی ۱ ماده ۲۱۱، ماده ۲۲۲ و تبصره ی ماده ۳۰۶. قانون آیین دادرسی کیفری نیز مواد مختلفی ممکن است به عنوان دلیل مطرح شود که عبارت است از تبصره ی ماده ۶، ماده ۷۲، ماده ۹۵، ماده ۲۸۹، ماده ۲۹۱ و تبصره ی ماده اخیر. قانون اقدامات تأمینی ۱۳۳۹ بند ۱ ماده ۳ و ماده ۴. قانون مدنی مواد ۱۲۰۷، ۱۲۱۱-۱۲۱۷. قانون مسئولیت مدنی ماده ۷.

۴- گستره جنون قبل از ارتکاب جرم بر مسئولیت کیفری بزه کار

در قوانین جاری و حاکم فعلی ایران، بلکه در قوانین گذشته نیز جنون قبل از جرم به طور صریح مؤثر بر مسئولیت کیفری مجنون شناخته نشده است از این جهت حقوق دانان از این مقوله به اجمال گذشته‌اند. برخی اصلاً یاد نکرده‌اند (ساریخانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱-۱۱۸)، یا اگر یاد کرده است به صورت بسیار گذرا از آن گذشته است. (نور بها، ۱۳۸۷، ص ۳۰۳) با این وضع گرچه فعی توان گفت که جنون قبل از ارتکاب جرم مؤثر تام در مسئولیت کیفری بزه کار است؛ اما، می‌توان از بند پنج ماده ۲۲ که وضع خاص متهم و سابقه او را یکی از جهات مخففه شمرده است، استنباط کرد، که جنون قبلی متهم باعث تأثیر نسبی بر مسئولیت کیفری بزه کار است. و او را از مجرمیت تام رها کرده و مستحق برخورداری از تخفیف می‌سازد. چنانکه به اعتقاد بسیاری از حقوق دانان اگر جنون قبل از ارتکاب عمل وجود داشته و در زمان حکم، بزه کار از عقل سالمی برخوردار باشد، باید جنون قبلی را به لحاظ انصاف ملاک اعمال کیفیات مخففه قرار داد نه اینکه آن را داخل در علل رافع مسئولیت کرد و بزه کار را مطلقاً از مجازات رها ساخت.

۵- گستره تأثیر جنون در حین ارتکاب جرم بر مسئولیت کیفری بزه کار

جنون هنگام ارتکاب جرم در اکثر سیستم های حقوقی دنیا امروزه به عنوان رافع مسئولیت شناخته می‌شود. در این راستا سیستم حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران نیز آن را رافع مسئولیت شناخته است قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ چنین مقرر می‌دارد: «ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی: جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است».

در شرح و توضیح این ماده دو نظریه ارائه شده است. یکی اینکه می‌توان گفت تهیه کنندگان قانون با بکار بردن جمله «جنون به هر درجه که باشد» حتی بیماری های روانی را نیز که در مرز سلامتی و جنون قرار دارند مورد توجه قرار داده‌اند و این گونه بیماران به حکم این ماده مسئولیت ندارند. تبصره ۱ ماده ۵۱ نیز تا حدی می‌تواند مؤید این تحلیل باشد، که مقرر می‌دارد: «در صورتی که تأدیپ مرتکب (مجنون) مؤثر باشد به حکم دادگاه تأدیپ می‌شود». (همان، ۳۰۵)

در تحلیل دیگری چنین گفته شده است: که قانون کلمه «جنون» را در معنای خاص خود به کار گرفته و به طور کلی زوال کامل عقل مورد نظر بوده است، در نهایت، این زوال عقل می‌تواند آنچنان شدید باشد که فرد را از نظر روانی در تاریکی مطلق قرار دهد، یا شدت آن در این حد نباشد ولی طوری حادث گردد که بتوان از کلمه «دیوانه» یا «مجنون» در نظر عرف از آن استفاده

کرد. البته در احراز وجود جنون و درجه آن نظر کارشناسان یعنی پزشکان متخصص لازم است. گرچه بنا به ذیل تبصره ماده ۴ قانون اقدامات تأمینی که مقرر داشته است: «دادگاه نظر پزشک متخصص امراض روحی را جلب می‌نماید و در هر حال تصمیم نهایی بلدادگاه است» دادگاه ملزم به پیروی از نظر پزشک نمی باشد؛ بلکه دادگاه اگر رأی کارشناس را موافق با اوضاع و احوال نبیند می‌تواند نظر کارشناس دیگری را در زمینه بخواهد. (گلدوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۴۳)

۵- گستره تأثیر جنون بعد از ارتکاب جرم بر مسئولیت کیفری بزه کار

از آنجا که قوانین ایران مستمد از فقه شیعه است، به طور بسیار خلاصه اشاره ای به عروض جنون بعد از ارتکاب جرم در فقه شیعه هم لازم است.

۱-۵- جنون بعد از ارتکاب جرم از منظر فقه شیعه

جنون بعد از ارتکاب جرم دارای صور و حالات گوناگون بسیار می شود که یکی از فقهای معاصر آن را به دسته‌هایی تقسیم کرده است: ۱- موجب مجازات با بیئه ثابت شود. ۲- موجب آن با اقرار ثابت شود. ۳- حد، قتل باشد. ۴- حد، تازیانه (جلد) باشد. ۵- قصاص به قتل باشد. ۶- قصاص به غیر قتل باشد. ۷- تعزیر تازیانه باشد. ۸- تعزیر به حبس و یا جزای نقدی باشد. ۹- شهادت بیئه قبل از جنون باشد. ۱۰- شهادت بیئه در حال جنون باشد. ۱۱- عروض جنون قبل از شنیدن شهادت بیئه. ۱۲- عروض جنون پس از شنیدن شهادت و قبل از حکم باشد. ۱۳- عروض جنون، پس از حکم و قبل از بردن مجرم برای اجرای حکم باشد. ۱۴- عروض جنون پس از بردن مجرم برای اجرای حکم باشد. ۱۵- جنون دایمی- اطلاق - باشد. ۱۶- جنون ادواری باشد.

۱۷- جنون به گونه ای باشد که امید برطرف شدن آن می رود. ۱۸- جنون به گونه ای باشد که امیدی به برطرف شدن آن نباشد. ۱۹- جنون به گونه ای باشد که مجنون درد را احساس می کند. ۲۰- جنون به گونه ای باشد که درد را احساس نمی‌کند. (استادی، ۱۳۸۷، ص ۶۳)

می‌توان به این صور مذکور حالات دیگری را نیز افزود مانند اینکه: ۱- موجب مجازات بوسیله‌ی علم قاضی ثابت شود. ۲- جنون شدید باشد. ۳- جنون خفیف باشد.

۲-۵- جنون بعد از ارتکاب جرم از منظر قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری

از نظر حقوقی و قانون مجازات اسلام و قانون آیین دادرسی کیفری به صورت کمتری اشاره شده است. یعنی قانون به حالتی که حکم داده است شارحان به بررسی آن‌ها پرداخته‌اند و بیشتر از آن را توسعه نداده‌اند.

سه فرض یا حالت را می‌توان مطابق مواد قانونی از هم تفکیک کرد.

۱-۲-۵- جنون بعد از ارتکاب جرم قبل از صدور حکم قطعی

در این فرض که مجرم پس از ارتکاب جرم مبتلا به جنون شود، از منظر قانون آیین دادرسی تا زمانی که مرتکب به حکم قطعی محکوم نشده است، در هر زمان و از مراحل دادرسی باشد تعقیب متهم متوقف می‌شود تا اینکه افاقه پیدا کند. زیرا محاکمه و تعقیب فردی که مجنون است و نمی‌تواند از حقوق خود دفاع کند و به عواقب اظهارات خود نا آگاه است، با موازین باز پرس و دادرسی عادلانه که متضمن حفظ حقوق متهم است سازگار نیست. (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۸۳) این صورت از مسأله را تبصره ماده ۶ قانون آیین دادرسی و ماده ۵۲ قانون مجازات اسلامی بیان کرده است که به حکم تبصره ی مذکور هرگاه مجرم قبل از محاکمه و بعد از ارتکاب جرم مبتلا به جنون شود، باعث توقف دادرسی است تا زمان افاقه مجنون. «تبصره هرگاه مرتکب جرم قبل از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه تعقیب متوقف خواهد شد.» از نگاه ماده ۵۲ ق. م. ا. جنون اگر بعد از ارتکاب جرم عارض شود با جلب نظر متخصص شخص مجنون در محل مناسب (تیمارستان) نگهداری می‌شود. این ماده حکم جنون هنگام ارتکاب جرم و بعد از ارتکاب جرم را باهم بیان می‌کند: «ماده ۵۲ هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسب نگهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است. شخص نگهداری شده و یا کسانش می‌توانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و به این دستور اعتراض کنند، در این صورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده یا تأیید دستور دادستان صادر می‌کند. این رأی قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا کسانش هرگاه علایم بهبودی را مشاهد کردند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند.»

۲-۲-۵- جنون بعد از ارتکاب جرم و بعد از حکم قطعی، قبل از اجرا

حقوق دانان در تفسیر مواد قانون آرا مختلفی ابراز داشته اند برخی می‌گویند که در این حالت باید بین محکومیت به حد و غیر آن قائل به تفکیک شد، در این رابطه دکتر آخوندی چنین ابراز نظر می‌کند: «چنانچه بزه کار بعد از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون گردد، در مقام اجرا باید بین محکومیت‌های به حد و غیر آن قائل به تفکیک شد: الف - طبق ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی، هرگاه محکوم به حد اگر دیوانه شود حکم باید در باره او اجرا شود. ب - در سایر محکومیت‌ها نیز ماده ۲۸۰ ق. آ. د. ک. مقرر می‌دارد: «جنون بعد از صدور حکم و فرار محکوم علی‌ه در حین اجرای حکم موجب سقوط مجازات تعزیری نمی‌باشد».

همچنین مطابق تبصره ماده ۲۹۱ «در صورت جنون محکوم علیه تا بهبودی در بیمارستان روانی نگهداری می‌شود. ایام توقف در بیمارستان جزء محکومیت وی محاسبه می‌شود». ماده ۵ آیین نامه اجرای قصاص نفس، رجم، صلب، قطع عضو و شلاق موضوع ماده ۲۹۳ ق. آ. د. ک. نیز عروض جنون، ارتداد، یا بیماری و ... را مانع اجرای حد قصاص یا اعدام ندانسته است. بعد می‌گوید: «قانون در خصوص اجرای سایر محکومیت‌های جزایی، راه حل مناسبی ارائه نداده است. مقررات ماده ۵۲ قانون مجازات اسلامی هم در این زمینه راه گشا نیست». (آخوندی، ۱۳۸۸، ص ۷۷) ایشان اولاً بین صورت محکومیت قطعی قبل از اجرا و محکومیت قطعی حین اجرا فرق نگذاشته است.

ثانیاً خوب بود به تفکیک بین محکومیت به حبس و سایر محکومیت‌ها قائل می‌شد تا مطابق مواد قانونی می‌بود؛ درحالی، که ایشان آمده است اول محکومیت به حد را جدا کرده و بعد بین محکومیت‌های دیگر و حبس تفکیک نکرده است. فقط به نقل مواد قانونی اکتفا کرده است.

ثالثاً: می‌گوید در ارتباط با سایر جرایم ماده ۵۲ قانون مجازات راه گشا نیست؛ درحالی که، می‌توان با تفسیر به نفع متهم و اطلاق ماده مذکور گفت: با عروض جنون اجرای مجازات متوقف می‌ماند تا رفع حالت مذکور.

در این زمینه ظاهراً فقط دکتر ساریخانی قائل به تفکیک بین حالت عروض جنون بعد از ارتکاب جرم و بعد از حکم قطعی قبل از اجرا، و بین حالت عروض جنون بعد از ارتکاب جرم بعد از حکم قطعی در حال اجرا شده است. ایشان چنین ابراز نظر نموده است: «در مواد ۹۵ و ۱۸۰ قانون مجازات اسلامی تعبیر به عدم سقوط مجازات شده است؛ در حالی که عادت مقنن در مواد دیگر این است که از لفظ جاری شدن یا نشدن استفاده می‌کند مثلاً در ماده ۱۷۷ قانون مزبور مقرر شده است که «حد وقتی جاری می‌شود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد» و در بقیه مواد نیز

این چنین است لکن در ماده ۱۸۰ و ۹۵ مقنن از این تعبیر عدول کرده و از لفظ ساقط نشدن استفاده کرده است ۱ مثلاً «هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی‌شود» و از آن جایی که عدم سقوط ملازمه‌ای با جریان حد ندارد؛ بنابراین، می‌توان چنین برداشت کرد که با تنقیح مناط از ماده ۵۲ قانون مجازات اسلامی و مواد ۹۵ و ۱۸۰ ق. م. ا. که در این حالت نیز حد ساقط نمی‌شود و در عین حال جاری نیز نمی‌شود بلکه مج نون تا حال افاقه در محل مناسبی نگهداری می‌گردد، اگر افاقه یافت مجازات اجراء خواهد شد. (ساریخانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰)

۳-۲-۵- جنون بعد از حکم قطعی و در حال اجرا

در این صورت مواد قانونی زیادی وجود دارد، که همه‌ی این مقررات قانونی جنون در این حالت را نه تنها مؤثر بر مسئولیت کیفری بزه‌کار نمی‌داند؛ بلکه مانع جریان مجازات مجرم هم نمی‌داند. تنها چیزی که هست بین محکومیت به حبس و باقی مجازات‌ها تفکیک شده است، که مجنون محبوس به مراکز روان‌درمانی منتقل می‌شود در جایی اگر چنین مرکزی وجود نداشت به تشخیص دادستان در محل مناسب بی‌نگهداری می‌شود. در این رابطه ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی چنین می‌گوید: «هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشک قانونی در صورت تأیید جنون، محکوم علیه به بیمارستان روانی منتقل می‌شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد. در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری می‌شود».

تبصره ماده ۲۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری همین حکم را دارد: «تبصره در صورت جنون، محکوم علیه تا بهبودی در بیمارستان روانی نگهداری می‌شود. ایام توقف در بیمارستان روانی جزو محکومیت وی محاسبه می‌شود».

راجع به سایر مجازات‌های در حال اجرا جنون عارض در این حال غیر مؤثر بوده و مانع از اجرای مجازات‌ها نیست. ماده ۵ آیین نامه نحوه اجرای قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری، عروض جنون را مانع اجرای حد و قصاص ندانسته

^۱ - ماده ۹۵ ق. م. ا. «هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی‌شود».

است. اما بیماری محکوم اگر مانع اجرای انجام تشریفات شود اجرای حکم تا رفع مانع به تأخیر می‌افتد.^۲

در همین راستا ماده ۲۸۹ ق. آ. د. ک. حکمش این است که جنون مانع اجرای مجازات های تعزیری نیست. «جنون بعد از صدور حکم و فرار محکوم علیه در حین اجرای حکم موجب سقوط مجازات تعزیری نمی‌باشد».^۳

۶- گستره تأثیر عته قبل از ارتکاب جرم بر مسئولیت کیفری

در قوانین جمهوری اسلامی ایران مقررات یا حتی حکمی خاصی راجع به معتوه وجود ندارد؛ با اینکه از نظر مبنایی معتوه مثل مجنون مرفوع القلم است، که در حدیث رفع قلم وارد شده است. (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۴۰۰) این نوع نقص عقلی از جمله نواقص عقلی که در روانشناسی به عنوان عدم رشد عقلی یا عقب افتادگی شناخته می‌شود.^۴ در اینجا به این اشاره اکتفا می‌شود که از نظر قانونی می‌توان شخصی را که قبل از ارتکاب جرم دچار عته بوده است مشمول بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی دانست؛ بنابراین، عته قبل از ارتکاب جرم تأثیر در نقصان مسئولیت مجرم خواهد داشت.

۷- گستره تأثیر عته در حین ارتکاب جرم بر مسئولیت کیفری بزه کار

در قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری فعلی و همین طور در قانون مجازات عمومی قدیم ایران به طور صریح ماده‌ای در باره‌ی عته و معتوه وضع نشده است. با این حال فقط به مبنایی که جنون را رافع مسؤلیت قرار داده است می‌توان تمسک کرد، که همان مبنا عته را هم رافع مسئولیت می‌داند و آن حدیث مشهور رفع قلم است. کار به اختلاف در مفهوم معتوه نداریم چه به معنی ناقص العقل باشد، یا به مفهوم بی عقل از نظر فقهی و روایی معتوه مرفوع القلم است. آن چه قابل توجه است، این است که معتوه را غیر از مجنون می‌دانند. (نجفی و مالکی، ۱۴۲۲، ص ۳۵۸) ولی در عین حال حکم معتوه را با حکم مجنون یکی می‌دانند، (بحرانی و یوسف بن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵، ص ۱۵۸) در این صورت مشمول ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی خواهد شد و

^۲ - آیین نامه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، اعدام و شلاق موضوع ماده‌ی ۲۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری شماره‌ی ۱/۸۲/۱۳۳۰۶-۱۳۸۲/۹/۴.

^۳ - قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، (مصوب ۱۳۷۸ با اصلاحات بعدی تا ۱۳۸۱) ماده ۲۸۹.

^۴ - تار نمای ویکیپدیا (واژه‌ی معتوه)

تمام احکام مجنون بر معتوه هم بار می شود. در هر صورت چون در قانون مجازات اسلامی نیامده است، به این لحاظ شارحان آن نیز کمتر متعرض شده‌اند یا اصلاً متعرض نشده است.

۸- گستره تأثیر عته بعد از ارتکاب جرم بر مسئولیت کیفری

عته بعد از ارتکاب جرم مشمول احکام جنون عارض بعد از جرم است. اما کسانی که عته را به معنای سفه گرفته‌اند، (هاشمی، پیشین، ۲۵۸) به این معنی از منظر قانون مجازات نمی توان گفت: که عته حکم جنون را دارد؛ زیرا در این قانون سفه هنگام ارتکاب جرم حکم غیر از جنون هنگام ارتکاب جرم را دارد. بالطبع در ما بعد آن هم مغایر هم خ واهند بود. به هر حال به دلیل اینکه قانون مجازات اسلامی تصریح به حکم عته ندارد، می توانیم بگوییم عته بعد از ارتکاب جرم تحت پوشش حکم کلی بند پنج ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۵ قرار می گیرد. این بعد از تنازل از هم سطح بودن با جنون است.

۹- گستره تأثیر سفه قبل از ارتکاب جرم بر مسئولیت کیفری بزه کار

هستند انسان‌های که در درک سود و زیان خود عاجز هستند و این چنین کسان از نظر قانون مدنی ایران غیر رشید نامیده شده است. (ماده ۱۲۰۷ و ۱۲۰۸ ق.م) و در فقه به عنوان سفیه خوانده می شود. در قوانین فعلی ایران ماده ای را نمی توان یافت که سفه را به طور صریح مؤثر در مسئولیت کیفری بزه کار بشناسد؛ به گونه ای که با تردید می توان گفت: که همان بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی می تواند شامل این نقیصه ای عقلی هم شود؛ زیرا، برخی حقوقدانان (گلدوزیان، ۱۳۷۶، ص ۵۱۹) و فقها تصریح دارند که سفه مؤثر در مسئولیت کیفری نیست. (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۵۱۹)

۱۰- گستره تأثیر سفه در حین ارتکاب جرم بر مسئولیت کیفری بزه کار

در قوانین کیفری ایران سفه از علل رافع مسئولیت به حساب نیامده است؛ فقط از نظر قانون مدنی یکی از اسباب حجر است. که موجب محجوریت سفیه در تصرفات مالی است. کسانی که معتوه را به معنی سفیه گرفته است، از نظر مبنایی (حدیث رفع قلم) از علل رافع مسئولیت تام کیفری است. (جعفری لنگرودی، پیشین، ۲۴۹۷) قانون مجازات عمومی (۱۳۵۲) که در بند (ب) ماده ۳۶ خود به به اختلال نسبی شعور یا قوه ای تمیز یا اراده اشاره داشت، و این گونه موارد موجب

^۵ - قانون مجازات اسلامی، بند ۵، از ماده ۲۲ «وضع خاص منتهم و یا سابقاوه را از جهات مخففه در مجازات های تعزیری و یا بازدارنده به شمار آورده است.

تخفیف مسؤلیت جزایی می شده و بدین ترتیب که در جنایات حسب مورد یک تا دو درجه تخفیف داده می شد و در جنبه ها مجازات مرتکب حد اقل حسب جنبه ای بوده است (نوربها، پیشین، ۳۰۴)؛ با این عبارت سفه موجب تخفیف در مجازات مرتکب سفیه می شده است؛ اما، با حاکمیت قانون مجازات اسلامی چنین مقرراتی دیگر وجود ندارد. فقط با وجود بند پنجم ماده ۲۲ که وضع خاص متهم را یکی از عوامل مخففه شمرده است، می توان گفت: سفاقت متهم یک وضع خاص است، که باید دادگاه به آن توجه نموده و به سفیه در مجازات تخفیف دهد؛ در این صورت از نظر نتیجه قانون مجازات اسلامی با قانون مجازات عمومی یکی می شود. حالا که در قوانین سفه به عنوان عامل مؤثر در مسؤلیت کیفری شناخته نشده است، سوال این است که آیا از نظر مبانی فقهی می توان گفت: سفه می تواند همچون جنون مؤثر در مسؤلیت کیفری بزه کار باشد و عامل رافع تام مسؤلیت قرار بگیرد؟ به این منظور چند دلیل روایی و عقلی را بررسی می کنیم.

۱-۱- دلیل روایی؛ عقل در مقابل سفه

در روایاتی متعددی می توان پیدا کرد که عقل در مقابل سفه به کار رفته است؛ (نوری، ۱۴۰۸، ص ۲۴۰) بنابراین می توان اثبات کرد، در هر جا که مرتکب جرمی مجازاتش مشروط به داشتن عقل باشد سفه رافع مسؤلیت کیفری است. علاوه بر این که آیات و روایات در باره سفیه که او را از نظر مالی محجور می داند از باب ذکر مصداق و مورد است (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۲) که علما در باب تخصیص می گویند مورد نمی تواند مخصص باشد. (بهسودی، ۱۴۱۷، ص ۴۱۷) در یکی از روایات که به طور صریح عقل مقابل با سفه قرار گرفته، روایتی است که از سفیه تعبیر به «لم یکن له عقل» نموده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۶۸)

۱-۲- ادله عقلی

ادله عقلی شامل قیاس اولویت، وحدت ملاک و قاعده تناسب حکم و موضوع می باشد که در ذیل این عنوان به صورت مختصر بررسی می کنیم.

۱-۲-۱- قیاس اولویت

با توجه به این که امور کیفری نسبت به امور مدنی از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد، چون مسائل دما و فروج هم در آن ها مطرح می شود؛ بنا بر این در شریعت که سفه موجب حجر و حمایت حقوقی سفیع است، در تصرفات مالی، در امور کیفری که مربوط به دماء، نفوس، ناموس و

فروج می‌شود باید به طریق اولی مورد حمایت قرار گیرد؛ زیرا این امور از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. (هاشمی، پیشین، ص ۲۷۹)

۲-۲-۱۰- وحدت ملاک

در جاهای مختلف که شرط کمال عقل شده است، شامل عدم سفه، جنون و صغر می‌شود. مانند: شرط کمال عقل در شهادت، چنانکه محقق حلی شرط دوم از شروط صفات شهود را کمال عقل دانسته و آن را اعم از مجنون و سفیه می‌داند می‌نویسد: «الثانی کمال العقل فلا تقبل شهادت المجنون و کذا من یرض له السهو غالباً ... و کذا المغفل الذی فی جبلته البله فریما استغلط لعدم تفتنه و هو وهم». (محقق حلی، ۱۴۰۸، ص ۱۱۵) ابله که شهادتش مردود شمرده شده است، همان سفیه است؛ زیرا بین جنون و سفه فاصله نیست. (هاشمی، پیشین، ص ۲۸۴) علاوه بر این، ملاک در رافع مسئولیت بودن جنون عدم تشخیص مجنون است؛ بنا بر این هر اختلال روانی که مانند جنون موجب عدم تشخیص در موضوع جرم شود مانند جنون باید رافع مسئولیت شناخته شود و لو بر حسب درجه، به درجه ی جنون نباشد؛ اما، در عدم تشخیص مانند جنون باشد حکم جنون را خواهد داشت. (مرعشی، ۱۳۷۹، ص ۵)

۳-۲-۱۰- قاعده تناسب حکم و موضوع

بر اساس این قاعده همانطور که سفیه نسبت به امور مالی و تصرفات در آن‌ها محجور می‌شود به دلیل اینکه درکی از سود و زیان و توان حفظ مال را ندارد می‌توان گفت: راجع به جرایم مالی هم مسئول نباشد و در این حیطة هم از حمایت حقوقی برخوردار می‌گردد. چنان که اگر کسی که عالم به سفاهت سفیه است، در عین حال با او معامله کند، از آن جهت که معامله اش باطل است باید عوضین هر کدام به مالک اصلی بر گردد. در این صورت اگر مال در دست سفیه تلف شود، به هر دلیل طرف معامله او نمی‌تواند به او رجوع کند چون مثل این می‌ماند که مالش را در دریا ریخته باشد. همین طور است اگر عاریه یا ودیعه یا اجاره کرده باشد. (شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰، ص ۱۰۷) سوالی که مطرح است این است که آیا با وجود ماده ۲۳۴ ق.م.ا می‌توان گفت که سفه از علل رافع مسئولیت کیفری است؟ در نگاه اول قانون صراحت دارد بر عدم تأثیر سفه در هنگام ارتکاب بزه بر مسئولیت کیفری بزه کار. ماده فوق می‌گوید: «اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاهت یا افلاس محجور باشد نافذ و موجب قصاص است».

با توجه به صراحت متن ماده قانونی نسبت به اینکه اقرار نافذ است و موجب قصاص است می‌رساند که سفه بر مسئولیت سفیه مؤثر نیست از راه دیگر اگر ثابت شود هم قصاص خواهد شد. حقوقدانان اسلامی سفاهت را درجه‌ای از دیوانگی تلقی نکرده، عقل را فارق سفه و جنون شمرده - اند، چنانکه در تمیز میان کودکی و سفیه، بلوغ را ملاک دانسته‌اند. (مغنیه، ۱۴۲۱، ص ۶۳۴) از این رو، سفاهت از عوامل رافع مسئولیت کیفری قلمداد نشده و سفیه را، هر چند در تصرفات مالی محجور است، اما همچنان نسبت به آثار جزایی اعمال خویش مسئول می‌شمارند. (صادقی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۱) از مجموع ماده مذکور و بند ۵ ماده ۲۲ می‌توان استنباط کرد که سفه رافع تام مسئولیت از منظر قوانین ایران نیست؛ اما، در مجازات‌های بازدارنده و تعزیراتی می‌تواند عامل مسئولیت نقصان یافته باشد. یعنی از عوامل مخففه خواهد بود.

۱۱- گستره تأثیر سفه بعد از ارتکاب جرم بر مسئولیت کیفری بزه‌کار

با عنایت به ماده ۲۳۴ که مقرر نموده است: «اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاهت یا افلاس محجور باشد نافذ و موجب قصاص است.» و با توجه به اینکه سفیه کسی است که واجد ادراک و قوه‌ی تمیز است؛ لکن، در اداره‌ی مالی خود ناتوان است، پس سفه هنگام ارتکاب جرم نیز مؤثر در مسئولیت کیفری بزه‌کار شناخته نشده است، سفه که عارض بعد از ارتکاب جرم باشد به طریق اولی غیر مؤثر در آن است. فقط چون سفیه دارای وضع خاص است عدالت اقتضا می‌کند همانند انسان سالم مجازات نشود به خصوص اینکه وضع حال حاضر او حاکی از وجود این حالت در هنگام ارتکاب جرم نیز هست. (صادقی، پیشین، ص ۲۱۱)

۱۲- نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت که در جنون، عته و سفه قبل از ارتکاب جرم بر قواعد کلی تخفیف نسبت به اشخاصی که از توانایی کمی برخوردار هستند و احتمال مؤثر بودند این کم‌توانی در ارتکاب جرم می‌رود حاکم است. زیرا یکی از جهات تخفیف در قانون ایران وضع خاص متهم و سابقه‌ی او شمرده شده است. (بند ۵ ماده ۲۲ ق. م. ا.) همچنین جنون در هنگام یا حین ارتکاب جرم رافع یا مانع مسئولیت جزایی هست و نمی‌توان چنین شخصی را مسئول شناخت. کسی که بعد از ارتکاب جرم مجنون شود به بیمارستان روانی منتقل می‌شود. ولی مسئولیتش باقی است و مجنون در حال جنون اگر سبب ورود ضرر به غیر شود مسئول است؛ بعبارتی دیگر، مسئولیت مدنی مجنون باقی است و رفع نمی‌گردد. همچنین عدم مسئولیت یا نقصان مسئولیت مجنون،

معتوه و سفیه تأثیری بر مسئولیت شریک و معاون ندارد. در حقوق کیفری ایران تصریح به عدم تأثیر سفه به مسئولیت کیفری شده است و فقط از قاعده عمومی تخفیف می‌توان تأثیر سفه را هم از موجبات مخففه دانست همچنین حقوق کیفری ایران پایبند اصطلاح حقوقی است، از شخص مبتلا به اختلال شدید همیشه به مجنون و از بیماری او به جنون یاد می‌کند (مواد ۳۷، ۵۱، ۵۲، ۹۵، ۱۸۰ و... قانون مجازات اسلامی و تبصره ماده ۶ و مواد ۹۵، ۲۸۹، تبصره ماده ۲۹۱ و... قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری).

منابع و مآخذ

- منابع فارسی
- الف کتب
- ۱- آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۳، تهران- ایران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ هشتم، پاییز ۱۳۸۸.
- ۲- اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران- ایران، نشر میزان، چاپ هشتم، پاییز ۱۳۸۴.
- ۳- انوری، حسن، و همکاران؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۴- جعفری، نلگرو، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، (یک‌جلدی)، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۷۰.
- ۵- ساریخانی، عادل؛ حقوق جزای عمومی، (بی‌جا) دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۶- صادقی، محمدهادی؛ حقوق جزای اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ چهاردهم، پاییز ۱۳۸۷.
- ۷- عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۱ و ۲، تهران، امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۶۹.
- ۸- گلدوزیان، ایرج؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶.
- ۹- _____؛ حقوق جزای عمومی ایران، ج ۲، تهران، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- ۱۰- نورپناه، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۷.
- ۱۱- هاشمی، شاهرودی و همکاران؛ فرهنگ فقه طبق مذهب اهل بیت (ع)، قم- ایران، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی طبق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۲، چاپ اول، ۱۴۲۶.
- (ب) مقالات
- ۱۲- مرعشی، سید محمد حسن؛ «نظرات فقهی و حقوقی در خصوص قضاوت زن از دیدگاه اسلام - بلوغ و رشک»، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۱، سازمان قضایی نیروهای مسلح، سال چهارم، مرداد و شهریور ۱۳۷۹.
- ۱۳- هاشمی، سید حسین؛ «دختران؛ سن رشد مسئولیت کیفری»، مجله کتاب زنان، شماره ۲۳، سال ششم، بهار ۱۳۸۳.
- منابع عربی
- ۱- الجوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۵ و ۶، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت- لبنان، دار العلم للملايين، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۷.
- ۲- آل عصفور، بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم؛ الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۲۵، (تحقیق محمد تقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۵).
- ۳- الحر العاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۸ و ۲۹، قم المشرقة، مؤسسه آل البيت لاحیا التراث، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴.
- ۴- الشیخ کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، ج ۳، تحقیق علی اکبر غفاری، ایران، دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الثالثة، (بی‌تا).
- ۵- کاشف الغطاء نجفی، جعفر بن خضر مالکی؛ کشف الغطاء عن مهمات الشریعة الفراء (ط- الحدیثة) ج ۴، قم- ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۲.
- ۶- مصطفی، ابراهیم، حامد، عبدالقادر و دیگران؛ المعجم الوسیط، تهران، مؤسسه الصادق للطباعة و النشر، الطبعة الخامسة، ۱۳۲۶.
- ۷- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی؛ عوائد الايام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- ۸- نوری، محدث میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، بیروت لبنان، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- ۹- وهبیه، الزحلی؛ الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۴، دمشق، دار الفکر الطبعة الرابعة، ۱۴۲۷ هجری ۲۰۰۶ میلادی.

- ۱۰- محقق، حلی، نجم الدین جعفر بن حسن؛ شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، قم- ایران، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸.
- ۱۱- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، (حواشی کلانتر) ج ۴، قم ایران، کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰.
- ۱۲- مغنیه، محمد جواد؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، ج ۲، بیروت- لبنان، دار التیار الجدید- دار الجواد، چاپ دهم، ۱۴۲۱. قوانین و مقررات
- ۱- قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ایران ۱۳۷۸/۶/۲۸.
- ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ اصلاحات و تغییرات و تنمیه قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸.
- ۳- قانون اقدامات تأمینی ایران ۱۳۳۹.
- ۴- قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰.
- ۵- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۱۳ اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴.
- ۶- قانون مسئولیت مدنی ایران ۱۳۳۹/۲/۷.
- ۷- آیین نامه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری شماره ۱۴۳۰۶/۱/۸۲ - ۱۳۸۲/۹/۴.
- ۸- قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ۱۳۰۴.
- ۹- قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب ۷ خرداد ۱۳۵۲.

